

جایگاه محمد بن صفار و کتاب بصائر الدرجات در میراث حدیثی شیعه - جعفر رحیمی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۸۱ - ۱۱۴

## جایگاه محمد بن حسن صفار و کتاب بصائر الدرجات در میراث حدیثی شیعه

\* جعفر رحیمی

چکیده: محمد بن حسن صفار و کتاب بصائر الدرجات او جایگاهی مهم در منظمه اعتقادی شیعه امامیه به خصوص در مسأله امامت دارد. در این مقاله سعی شده است شخصیت علمی صفار و نقش او در انتقال معارف اعتقادی بررسی شود. همچنین دو مسأله اساسی که راجع به صفار و کتاب بصائر الدرجات او وجود دارد مورد پژوهش قرار گرفته است. مسأله اول: آیا نویسنده کتاب بصائر الدرجات، شخصی به نام محمد بن حسن بن فروخ است و شخصیت دیگری غیر از صفار است یا اینکه محمد بن الحسن بن فروخ همان محمد بن الحسن صفار است و یک شخصیت با دو عنوان در کتب رجالی معروف شده است؟ مسأله دوم: آیا کتاب بصائر الدرجات تألیف صفار است، یا چنانچه ادعا شده نوشتۀ محمد بن یحیی العطار بوده و او به شیوه استخراج، کتاب بصائر سعد بن عبدالله اشعری را با عنوان بصائر الدرجات به نام خودش تدوین نموده است. برای این منظور اساتید و شاگردان مطرح صفار به اختصار معرفی شده‌اند. همچنین میراث مکتوب و میزان اثرگذاری او در انتقال روایات اهل بیت<sup>طیلل</sup> و نقش او در انتقال میراث مکتوب بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: صفار، محمد بن حسن، ابن فروخ، بصائرالدرجات، میراث مکتوب

---

\*. دانشجوی دکتری ادیان و مذاهب قم، پژوهشگر پژوهشگاه قرآن-حدیث قم sadrarahimi@yahoo.com

## ولادت، کنیه و نام صفار

محمد بن حسن صفار قمی، محدث، فقیه و متکلم پرآوازه شیعه و مؤلف کتاب مشهور «بصائر الدرجات فی علوم آل محمد» است. نام کامل او «محمد بن الحسن بن فروخ الصفار» (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۲). است و هرگاه «الصفار» به صورت «منفرد» استعمال شود، منصرف به او است (توضیح المقال فی علم الرجال، صص ۹۸-۹۹).

نام او در همه تذکره‌نویسی‌های امامیه آمده است، ولی اطلاعات اصلی را عمدتاً «نجاشی و شیخ طوسی» آورده‌اند. در منابع، به غیر از «ابو جعفر»، کنیه دیگری برای او ذکر نکرده‌اند (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۲؛ رجال ابن داود، صص ۱۶۹-۱۷۰؛ نقد الرجال، ج ۴، صص ۱۸۱-۱۸۲؛ مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۱؛ أهل البيت فی الكتاب والسنّة، ص ۶۱۹؛ بصائر الدرجات، صص ۷-۱۴؛ الخلاصة للحلی، صص ۲۶۰-۲۶۱؛ طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۷).

زمان ولادت او برای ما مشخص نیست، اما بدون شک، او معاصر امام دهم علی بن محمد الهادی علیہ السلام (متوفی ۲۵۴هـ) و امام یازدهم حسن بن علی العسکری علیہ السلام (متوفی ۲۶۰هـ) بوده و بنابر قول شیخ طوسی، صفار از صحابه امام یازدهم علیہ السلام به شمار می‌رفته و «مسائل» خود را به ایشان عرضه کرده است.

از آنجا که برای بعضی از فضلاء این توهیم پیش آمده است که محمد بن الحسن الصفار صاحب کتاب بصائر الدرجات، غیر از محمد بن الحسن بن فروخ بوده، لازم است در ابتدا این مسأله بررسی شود. به نظر می‌رسد منشاء این اشتباه را می‌توان در کتاب رجال ابن داود حلی (متوفی ۷۴۰هـ) جستجو کرد؛ زیرا او برای محمد بن حسن در دو جای کتابش با دو عنوان «محمد بن الحسن الصفار و محمد بن الحسن بن فروخ» شرح حال نوشته است (رجال ابن داود، ص ۱۶۹ و ۱۷۰). او که یکی از مشهورترین تذکره‌نویسان امامیه به شمار می‌رود، در وصفِ محمد بن الحسن بن فروخ می‌نویسد:

«كان وجها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر راجحا، قليل السقط في الرواية» (همان،



ص ۱۷۰)، همو در وصفِ محمد بن حسن صفار، آورده است: «له کتب مثل کتب الحسین بن سعید و زیاده» (همان، ص ۱۶۹).

امیر معزی معتقد است منشاء این دوگانگی شخصیت، در کلام ابن داود حلی است و آن را نوعی تفکر عقلانی فقهی می‌داند که پس از شیخ مفید بر تفکر شیعه حاکم شده است. این تفکر در برابر تفکر باطنی قرار دارد که از جانب ائمه شیعه و محدثان قمی خصوصاً کلینی و صفار و برقی ترویج می‌شده و علمای شیعه پس از شیخ مفید، آگاهانه کتاب بصائر الدرجات صفار را مسکوت گذاشته‌اند و این نگرش به آنجا کشیده که بین راوی بزرگ شیعی یعنی محمدبن الحسن الصفار و مؤلفِ بصائر الدرجات تفاوت قائل شوند (فصلنامه ژورنال آسیایی (*JOURNAL ASIATIQUE*) صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات، جلد ۲۸۰، شماره ۴-۳). اما به نظر می‌رسد چنین برداشتی از کلام ابن داود و محقق اردبیلی جای تأمل دارد و اینکه آیا آنان به عمد دو شخصیت را مطرح کرده‌اند یا اینکه جهت دیگری مطرح بوده، به راحتی نمی‌توان قضاوت کرد؛ زیرا بدون شک ابن داود، از کتابهایی مانند: «رجال» نجاشی (متوفی ۴۵۰هـ)، «رجال» و «الفهرست» شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰هـ) بهره برده است. اگر مقایسه‌ای بین نقل ابن داود حلی با نقل نجاشی و شیخ طوسی انجام دهیم، می‌بینیم که ترجمه ابن داود با ترجمه‌های شیخ طوسی و نجاشی تفاوتی ندارد و متوجه می‌شویم که ابن داود نیز در مورد این شخصیت، دچار اشتباه دوگانگی شخصیت نشده و محمدبن الحسن بن فروخ را همان مؤلفِ کتابِ بصائر الدرجات می‌داند.

نجاشی گفته است:

«محمد بن الحسن بن فروخ الصفار، مولی عیسی بن موسی بن طلحة بن عبید الله بن السائب بن مالک بن عامر الأشعري أبو جعفر الأعرج، كان وجهها في أصحابنا التميين، ثقة عظيم القدر راجحا قليل السقط في الرواية، له كتب منها: كتاب بصائر الدرجات»، (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴).

و شیخ طوسی گوید:

«محمد بن الحسن الصفار قمي، له كتب مثل كتب الحسين بن سعيد و زياده كتاب بصائر الدرجات و غيره»، (فهرست طوسى، ص ۴۰۸).

به نظر می‌رسد ابن‌داود از ترجمه شیخ طوسی و نجاشی تبعیت کرده است و دقیقاً همان اوصاف را که این دو رجالی بزرگ برای صفار نوشته‌اند، او نیز برای این راوی آورده است. علاوه بر آن، ظهور کلام او در اتحاد عنوان است (طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۷). تنها نکته غامض در نقل ابن‌داود، این است که او برای صفار، دو شرح حال نوشته است. برای حل این مشکل باید گفت که اگر به کتب رجالی مراجعه کنیم، خواهیم دید که عادت بسیاری از رجالیون بر این بوده که برای اشخاصی که به دو اسم یا چند اسم مشهور بوده‌اند، دو یا چند شرح حال جداگانه می‌نوشته‌اند. شیخ طوسی در رجالش شخص واحد را دو یا چند بار آورده، به دلیل تعدد عنوان اشخاص. ابن‌داود نیز همین رویه را داشته است؛ بنابراین از کلام ابن‌داود حلی بر نمی‌آید که او بین مؤلف بصائر الدرجات و محدث بزرگ شیعه جناب محمد بن حسن بن فروخ تمایزی قائل بوده است.

علاوه بر آن بسیاری از رجالیون برای دو عنوان مذکور، شخصیت واحد قائلند و تا جایی که بررسی شد، از رجال‌شناسان کسی قائل به دوگانه بودن مؤلفِ بصائر الدرجات با ابن فروخ نیست (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۱۶؛ نجد الرجال، ج ۴، ص ۱۷۶؛ اهل البيت فی الكتاب والسنّة، ص ۶۱۹؛ الرسائل الرّاجيّة، ج ۳، صص ۴۹۴-۴۹۰؛ مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۹؛ قاموس الرجال، ج ۹، ص ۲۱۳؛ وسائل الشیعیة (الاسلامیة)، ج ۲۰، ص ۳۲۳؛ الرسائل الرّاجيّة، ج ۳، صص ۴۹۰-۴۹۴؛ طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۴۹؛ هدیۃ العارفین، ج ۲، ص ۲۲-۲۴).

## القاب

برای محمد بن الحسن، القابی آورده‌اند مانند:

«الصفار» (رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۲؛ اردبیلی، محمدعلی، پیشین؛ طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۳؛ وسائل الشیعیة

(الإسلامية)، ج ۲۰، ص ۳۲۳)

### «الأشعرى» (طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۷)

«الأعرج» (رجال شيخ طوسی، ص ۴۰۲؛ اردبیلی، محمدعلی، پیشین؛ طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۳؛ وسائل الشيعة (الإسلامية)، ج ۲۰، ص ۳۲۳)

«مموله» (رجال شيخ طوسی، ص ۴۰۲؛ اردبیلی، محمدعلی، پیشین؛ رجال کشی، ج ۱، ص ۴۱۷؛ طائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۳؛ الرسائل الرجالية، ج ۳، ص ۱۵؛ مستارکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۱). و «قُمی» (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۱۶؛ تقدیم الرجال، ج ۴، ص ۱۸۲؛ مستارکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۱؛ قاموس الرجال، ج ۹، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ التعریف، ج ۷، ص ۲۵۶). ذکر شده است.

لقب مشهور او «الصفّار» به معنای «رویگر»، و پس از آن «الأعرج» به معنای «لنگ» است. ظاهراً لقب صفار به این دلیل است که او پیشه رویگری داشته است. این که آیا لقب «الأعرج» ناشی از نقص عضو بوده یا برای تحقیر او را به این نام خوانده‌اند دقیقاً معلوم نیست، اما این‌گونه لقب‌گذاری که امروزه مذموم است و تنقیص به حساب می‌آید، در بین مردم آن دوره مرسوم بوده و رواج داشته است.

لقب «قُمی» به دلیل سکونت وی در قم و لقب «ashurri» حکایت از انتساب او به خاندان اشعری دارد. صفار به لقب «مموله» نیز معروف بوده است و جناب کشی از ایشان با عنوان «المعروف بمموله» (رجال کشی، ج ۱، ص ۴۱۷) نام برده است. با این حال سید خوبی فرموده که «سؤالهایی که صفار از حضرت عسکری علیهم السلام پرسیده ملقب به حموله بوده است» (معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۴۹). شیخ طوسی نیز عبارتی نظیر عبارت سید خوئی دارد. احتمال دیگر در مورد لقب مموله، این است که این لفظ، مخفف محمدعلی باشد که در زبان فارسی برخی محمدعلی را مملی تلفظ می‌کنند. احتمالاً منشاء اشتباہ برخی که گفته‌اند سوالهای او به مموله معروف بوده همین مسئله باشد، زیرا عرب‌ها قادر به تلفظ مملی نبودند. بنابراین گمان می‌کردند که منظور از آن، «مُملی» به معنی مفعولی

یعنی املاء شده است.

### نژاد و قبیله

نجاشی در کتابِ رجالش و شیخ طوسی در فهرستش، محمد بن حسن را فرزند فروخ (به فتح فاء و تشدید راء)، از موالی عیسیٰ بن موسی بن طلحه بن عبیدالله بن السائب بن مالک بن عامر اشعری می‌دانند. راجع به عیسیٰ بن موسی اطلاعاتی در دست نیست، اما از نوادگان سائب بن مالک اشعری است. در تاریخ قم آمده که زمانی که پدر محمد بن سائب همراه مختار در کوفه شهید شد، مصعب بن زبیر او را از حبس خلاص کرد. محمد بن سائب از شجاعان و مردان روزگار خود بود. حجاج او را برای مأموریتی فرستاد و او پس از مدتی از انجام مأموریت سرپیچی کرد؛ لذا حجاج دستور داد تا او را بکشند. به روایتی دیگر، حجاج همهٔ فرزندان مالک بن عامر اشعری را امر کرد که از کوفه بیرون روند. بنابراین همگی آنان از کوفه بیرون رفتند و فرزندان سائب در منطقه‌ای به نام «ماهین» ساکن شدند.

پس از آنکه فرزندان سعد بن مالک به قم رفته آنجا ساکن شدند؛ فرزندان سائب را به شهر قم دعوت کردند و ایشان نیز به شهر قم آمدند و در آنجا عزت یافتند (تاریخ قم، ص ۲۵۸-۲۶۱). به هر روی، صفار از موالی اشعری‌ها بوده است. چنانچه ذکر شد او را مولای عیسیٰ بن محمد گفته‌اند. منظور از موالی، افراد غیر عربی هستند که خودشان یا اجدادشان با یکی از قبیله‌های عربی و یا با شخص خاصی از عرب‌ها عقد ولاء داشته‌اند و به نوعی زیردست و بنده آن اعراب محسوب می‌شدند؛ به اصطلاح امروزی شهروندان درجه دوم بودند. نوعاً ایرانیان مسلمان چنین وضعیتی را در بین اعراب داشتند و بیشتر موالی از ایرانیان تازه مسلمان بودند.

شکی نیست که جناب صفار، از موالی بوده، اما ایرانی بودن او معلوم نیست. با این حال چون او در قم زندگی می‌کرده و متوفی در قم نیز هست، احتمال ایرانی بودنش



می‌رود. قرینهٔ دیگری که ایرانی بودن وی را تقویت می‌کند، فتوای مشهور جناب صفار راجع به جواز قرائت ذکر قنوت به زبان فارسی است. احتمالی که راجع به لقب مموله گفته شد، قرینهٔ دیگری بر ایرانی بودن صفار است.

## مدح و ستایش

در برخی موارد، مدح و ذم مستقیم از جانب ائمه<sup>علیهم السلام</sup> راجع به اصحابشان وجود دارد. این گونه روایات در جرح و تعدیل راوی بسیار مفیدند؛ اما در بسیاری از موارد هم روایاتی که بتوان از آنها برای جرح و تعدیل استفاده کرد، وجود ندارد. در این صورت باید از راههای دیگری به جرح و تعدیل راوی پرداخت. یکی از مهمترین روش‌ها، سخنان رجالیون و علماء است؛ خصوصاً آن دسته از اشخاصی که با راوی هم‌عصر بوده‌اند و به طور مستقیم با راوی تماس داشته‌اند.

## شخصیت صفار در روایات

صفار چندین نامه به محضر امام حسن عسکری<sup>علیه السلام</sup> نوشته و در آن نامه‌ها سؤالاتی (معمولًاً فقهی) از محضر امام پرسیده است. این نامه‌ها و جواب‌هایی که از طرف امام<sup>علیه السلام</sup> به آنها داده شده، در منابع حدیثی شیعه موجوداند. در این توقیعات، امام<sup>علیه السلام</sup> راجع به ستایش یا نکوهش ابو جعفر مطلبی ذکر نموده است. روایت یا روایاتی هم مبنی بر نکوهش یا ستایش صفار وجود ندارد، اما همین مقدار که جناب صفار نامه‌هایی به حضرت عسکری<sup>علیه السلام</sup> نوشته و ایشان نیز نامه‌های وی را جواب می‌داده، حاکی از شخصیت علمی ایشان و چه بسا از وثاقت او در نزد امام است.

## کلام علماء

در کتب فهرست و رجالی آمده که او در بیشتر ابواب فقه کتاب حدیثی نوشته بوده و در تأییفاتش، از شیوه‌ای که حسین بن سعید در نگارش ابواب فقهی داشته، تبعیت کرده است. علاوه بر آثار حدیثی - فقهی، او در بسیاری از مسائل اعتقادی - از جمله مباحث

امامت - نوشه‌هایی داشته است. البته آثار او عمدتاً صبغه حدیثی داشته و احتمالاً جز نقل احادیث، چیزی دیگر در کتاب‌هایش یافت نمی‌شده است.

تعابیر نجاشی حاکی از میزان اهمیت وی در نزد محدثان و رجالیان امامی است. نجاشی او را به "کان وجهها في أصحابنا القميين" می‌ستایید و ضمن توثيق وی، او را «عظیم القدر» و «راجح» و «قليل السقط» در روایت می‌خواند (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴). البته لفظ قلیل السقط، ضمن این‌که بار معنای مثبت دارد به نوعی هم نشانگر ذم راوی است و احتمالاً به این علت است که صفار برخی از احادیث را به صورت مرفوعه نقل کرده و واسطه‌ها را در سند نیاورده است.

هم‌چنین بزرگانی مانند: علامه حلی در خلاصه الاقوال (ج ۱، ص ۱۵۷)، ابن داود حلی در رجالش (ج ۱، ص ۳۰۷)، سید خوبی در معجم رجال الحديث (ج ۱، ص ۲۵۷)، ضمن نقل سخن نجاشی، وثاقت محمد بن الحسن الصفار را تأیید کرده‌اند.

### ذم و نکوهش

همان‌گونه که ذکر شد؛ در روایات امام حسن عسکری علیه السلام، ستایش یا نکوهشی نسبت به شخصیت محمد بن حسن صفار نیامده است. تنها مسأله‌ای که برخی آن را به عنوان نکوهش این راوی مطرح کرده‌اند، این است که محمد بن حسن بن ولید کتاب بصائر الدرجات او را نقل نکرده است.

ابن ولید از شخصیت‌های برجسته در بین راویان حدیث است. شیخ طوسی در فهرستش راجع به او گفته است: «القمی جلیل القدر عارف بالرجال موثوق به» (فهرست طوسی، ص ۴۴۳).

و به گفته نجاشی و شیخ طوسی، راوی اصلی صفار، یعنی محمد بن حسن بن ولید (وفات ۳۴۳ هـ، ۹۵۳ م) محدثی محترم و معتبر، فقیه و مفسر قرآن بود. او همه آثار صفار را به جز «کتاب بصائر الدرجات» روایت کرده است (فهرست طوسی، ص ۱۴۳؛ رجال نجاشی،



ص ۲۶۲).<sup>۱</sup> همان‌گونه که مشهور است، ابن ولید با تفکر غالیانه مبارزه می‌کرده است. اگر مضامین روایات کتاب بصائر الدرجات را که در مورد امامت و شئون آن است به این مطالب بیفزاییم؛ در نظر بدوى نتیجه این خواهد شد که ابن ولید، به دلیل این که صفار تفکر غالیانه داشته، کتاب او را روایت نکرده است.

نجاشی پس از نقل عناوین کتاب‌های صفار، یکی از طرقی را که به این کتاب‌ها داشته چنین می‌نویسد:

«أَخْبَرْنَا بُكْتَبِهِ كُلُّهَا مَا خَلَأْ بِصَائِرِ الْدَّرِجَاتِ، أَبُو الْحَسِينِ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ طَاهِرِ الْأَشْعَرِيِّ الْقَمِيِّ قَالَ: حَدَثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسِينِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ بَهِّهِ» (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴).

بنابراین عدم نقل ابن ولید، موجب گمانه‌زنی‌هایی راجع به کتاب بصائر الدرجات و نویسنده آن محمد بن حسن شده است. امیر معزی در این باره می‌گوید: «پیدا است که صفار قمی و به ویژه «کتاب بصائر الدرجات» او محل اشکال و تردید بوده و هست» (صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات، جلد ۲۸۰، شماره ۳).

کلامی که مامقانی از علامه مجلسی در این زمینه نقل می‌کند بسیار گویا است: اگر ابن ولید، بصائر الدرجات را روایت نکرده است؛ به این دلیل است که فکر می‌کرد محتوای این کتاب نزدیک به شیعیان اهل غلو است. «عدم روایة ابن الولید لبصائر الدرجات لتوهمه أن هو يقرب الغلو» (نتیجه المقال في علم الرجال، ج ۳، ص ۱۰۳).

به تبع همین نظریه، برخی از پژوهشگران سؤالاتی مطرح نموده‌اند که حائز اهمیت است؛ از جمله این که با وجود اهمیت کتاب بصائر الدرجات و اهمیت احادیث آن در مباحث امام‌شناسی شیعی، چرا روایات صفار مورد اعتمای گسترده شماری از منابع همانند: الکافی قرار نگرفته است؟ آیا کلینی با وجود آن که کتاب الحجة خود را به همین دست احادیث اختصاص داده است، نیازی به نقل احادیث بصائر نداشته است؟ اصولاً

۱. در باره ابو جعفر محمد بن حسن بن ولید، رجوع کنید به: رجال نجاشی، ص ۲۶۲؛ ابن نديم، فهرست، نشر تجدد، تهران، ۱۹۷۱ ميلادي، ص ۲۷۹.

## موقعیت و جایگاه علمی

رابطه کتاب بصائر الدرجات کنونی با کتاب الحجۃ کلینی چیست؟ آیا او کتاب بصائر الدرجات کنونی را می‌شناخته است؟ آیا آن را تألیفی از صفار می‌انگاشته است؟ انصاری معتقد است: محمد بن حسن کتابی به نام بصائر الدرجات نداشته و کتاب بصائر الدرجات کنونی که به نام صفار منتشر شده، بر اساس کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله تنظیم شده و اضافاتی نیز بر آن افروده شده است (حسن انصاری، مقاله شخصیت و جایگاه علمی محمد بن الحسن الصفار در مورد بصائر)

از نامه‌نگاری صفار با امام حسن عسکری علیہ السلام چنین برداشت می‌شود که او از شخصیت‌های مطرح زمان خویش بوده و به لحاظ علمی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. تقریباً تمامی پرسش‌های او از محضر امام حسن عسکری علیہ السلام راجع به مسائل فقهی است. امیر معزی می‌نویسد:

«صفار قمی یکی از استادان شیخ کلینی در زمینه حدیث بود: از شیخ کلینی تا ابن ابی زینب نعمانی، ابن‌بابویه، شیخ طوسی و سرانجام علامه مجلسی، مؤلفان بزرگ به کرات از صفار قمی نقل قول کرده‌اند. این امر بیانگر اهمیت صفار قمی در تدوین و تأليف اصول مکتب امامیه است.» (صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات، جلد ۲۸۰، شماره ۴).

سایر رسالات او احتمالاً حاوی احادیث اعتقادی امامیه بوده‌اند: «كتاب الرد على الغلاه» (رد آراء غیر امامیه)، «كتاب الملاحم» (پیشگویی‌های آخرالزمانی)، «كتاب التقیه»، «كتاب المؤمن»، «كتاب المناقب» (ستایش معصومین و اهل تشیع)، «كتاب المتألب» (نکوهش دشمنان امامیه)، «كتاب ما روی فی اولاد الائمه» (روایت احوال فرزندان ائمه) و سرانجام «كتاب بصائر الدرجات».

در مجموع می‌توان ادعا نمود جناب محمد بن حسن در مباحث اصول اعتقادی خصوصاً مباحث امامت و در فروع دین و احتمالاً در تمامی مباحث و ابواب فقهی احادیثی را جمع‌آوری کرده است.

## اساتید صفار

تعداد مشایخ و راویانی که صفار از آنها روایت نقل کرده است، به بیش از ۱۵۰ نفر می‌رسند.<sup>۱</sup> در نظر بدوى، انسان تصور مى کند که تعداد كثیرى از راویان حدیث در گرد آمدن کتاب اصلی صفار یعنی *بصائرالدرجات* نقش داشته باشند، اما با دقت و توجه به آمار روایات خواهیم دید که صفار اکثر احادیث را از تعداد كمتری از راویان، که بیشتر قمی و به خصوص اشعری هستند، روایت کرده است. نیومن در این باره می‌نویسد:

«ملاحظه فهرست راویانی که صفار، ۱۸۸۱ حدیث بصائر را از طریق آنها، جمع آوری کرده است، نشان می‌دهد که وی ۱۲۱۵ حدیث یعنی ۶۴/۵ درصد از کل را از کمتر از ۱۲ منبع روایت کرده است. او ۵۰۱ حدیث (۲۷ درصد از کل) را از احمد بن محمد، ۲۱۷ حدیث (۱۱/۵) درصد را از محمد بن حسین کوفی، ۱۱۰ حدیث (۵/۸ درصد) را از محمد بن عیسی بن عبید، ۱۰۵ حدیث (۵/۵ درصد) را از ابراهیم بن هاشم قمی، ۹۵ حدیث (۵ درصد) را از یعقوب بن یزید بغدادی، ۵۸ حدیث (۳ درصد) را از محمد بن عبدالجبار قمی، ۲۸ حدیث (۱/۵ درصد) را از عبدالله بن جعفر حمیری قمی، ۲۷ حدیث (۱/۴ درصد) را از عباس بن معروف و ۲۱ حدیث (یک درصد) را از حسین بن محمد بن عمران اشعری روایت کرده است» (دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، ج اول، ص ۲۲۰).

دیدیم که صفار ۵۰۱ حدیث را از احمد بن محمد نقل کرده است. با این حال در جستجویی که در کتاب *بصائرالدرجات* انجام شد، ۴۷۵ حدیث از راویی با عنوان احمد بن محمد بدون لقب و کنیه نقل شده است. احادیثی که در آنها احمد بن محمد با لقب و کنیه آورده است، عبارتند از: ۳۴ حدیث را از احمد بن محمد بن ابی نصر و ۱۲

۱. اسامی اساتید صفار در کتاب *بصائرالدرجات* به تحقیق محسن کوچه باغی آورده شده است. برای اطلاع از اسامی آنان به مقدمه کتاب مذکور مراجعه نمایید.

حدیث را از احمد بن محمد عیسی، چهار حدیث را از احمد بن محمد السیاری، یک حدیث را از احمد بن محمد بن خالد برقی و یک حدیث را از احمد بن محمد بن مسلم نقل کرده است.

در این میان، ۴۷۵ حدیث می‌بینیم که صفار آنها را از احمد بن محمد نقل کرده است و معلوم نیست منظور از این راوی، کدام یک از این روات است. در این برهه زمانی لااقل دو راوی بزرگ و مشهور به نام احمد بن محمد وجود دارد؛ یکی احمد بن محمد بن خالد برقی گردآورنده کتاب محسن و دیگری احمد بن محمد عیسی اشعری. جالب آنکه دو شخصیت مذکور درگیری‌هایی با هم داشته‌اند. به هر روی در بسیاری از موارد، روشن نیست که منظور از احمد بن محمد کدام یک از دو راوی است.

تا جایی که از بررسی استناد به دست می‌آید، صفار از استناد احمد بن محمد بن عیسی اشعری روایات فراوانی نقل کرده است؛ بنابراین به احتمال قوی منظور از احمد بن محمد در تعداد معنابهی از ۴۷۵ حدیث مذکور، همان احمد بن محمد بن عیسی باشد. در ادامه شرح حال مختصری از برخی از اساتید وی ذکر می‌کنیم.

۱. ابو جعفر، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، از اصحاب امام رضا، امام هادی و حضرت عسکری علیه السلام، امامی، ثقه، از بزرگان تشیع و رئیس قمیین بوده است (فهرست طوسی، ص ۰۶، رجال طوسی، ص ۲۵۱؛ رجال علامه حلی، ص ۱۳). وی دیدارهایی با حضرت رضا، حضرت جواد و امام حسن عسکری علیه السلام داشته است.

از اجداد او سعد بن مالک احوص، اولین کسی بود که در قم سکنی گزید. گفتیم که بین صفار و این خاندان عقد ولاء جاری بوده و صفار از موالی اشعری‌ها شمرده شده است؛ بنابراین رابطه نزدیکی بین او و صفار وجود داشته است. علاوه بر احادیثی که در کتاب بصائر الدرجات از احمد بن عیسی نقل شده است، در کتب اربعه نیز صدھا حدیث وجود دارد که صفار از احمد بن عیسی بدون واسطه نقل کرده است.

صفار علاوه بر اینکه احادیث فراوانی را از وی نقل کرده، ناقل کتاب‌های وی و میراث مکتوب او نیز هست. شیخ طوسی در طریقش به کتاب‌های احمد بن محمد بن عیسی می‌نویسد: «أَخْبَرَنَا عُدَدٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسْنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسْنِ الصَّفَّارِ وَ سَعْدٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى» (فهرست طوسی، ص ۶۴).

۲. ابو جعفر، محمد بن حسین بن ابی خطاب (متوفی ۲۶۲ هـ ق)، کوفی، همدانی، ملقب به زیات، او را با اوصاف امامی، ثقہ (همان، ص ۴۰۰). و جلیل ستوده‌اند. او از راویان بزرگ شیعه و مؤلف کتاب‌هایی مانند: «كتاب التوحيد»، «كتاب المعرفة و البداء»، «كتاب الرد على أهل القدر»، «كتاب إلامامة»، «كتاب المؤلمة»، «كتاب وصايا الإمام علي عليه السلام» و «كتاب النوار» بوده و از اصحاب حضرت هادی علیه السلام بوده است. (رجال طوسی، ص ۳۹۱). او احادیث فراوانی را از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل کرده است.

محمد بن حسین از اساتید اصلی صفار بوده و در منابع اصلی حدیث شیعه لاقل ۳۷ روایت وجود دارد که صفار از ایشان نقل کرده است. در کتاب بصائر نیز بالغ بر ۲۱۳ روایت وجود دارد که صفار مستقیماً از ایشان نقل کرده است.

صفار میراث‌دار مؤلفات او نیز بوده است. نجاشی در طریقش به کتب محمد بن حسین می‌نویسد: «أَخْبَرَنَا عَلَيْهِ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسْنِ عَنِ الصَّفَّارِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسِينِ بِسَائِرِ كِتَبِهِ» (رجال نجاشی، ص ۳۳۴).

و شیخ طوسی در طریقش به کتاب‌های محمد بن حسین آورده است: «أَخْبَرَنَا ابْنُ أَبِي جید عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسِينِ» (فهرست طوسی، ص ۶۴).

۳. ابو جعفر، محمد بن عیسی بن عبید، ملقب به یقطینی، عبیدی و بغدادی، متصرف به امامی، ثقہ و «حسن التصانیف» است. او علاوه بر روایات فراوان، مکاتباتی نیز با امام جواد علیه السلام داشته است (رجال نجاشی، ص ۳۳۳). از بین تألیفات فراوان او می‌توان به کتابی در امامت و کتابی در رد واقفیه اشاره نمود. ابن‌ولید و تابعینش او را تضعیف کرده‌اند (رجال

نجاشی، ص ۴۰۲؛ رجال طوسی، صص ۳۹۱ و ۴۰۱ و ۴۴۸؛ رجال کشی، صص ۵۰۷ و ۵۳۷ و ۵۳۸؛ برقی، ص ۵۸؛ رجال ابن داود، صص ۵۰۸ و ۵۲۸؛ رجال علامه حلی، ص ۱۴۱). تعداد روایاتی که صفار از محمد بن عیسی در کتاب *بصائر الدرجات* نقل کرده، به بیش از ۱۵۰ حدیث می‌رسد. اما آثار مکتوب محمد بن عیسی را صفار نقل نکرده است؛ به عبارت دیگر، در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب‌های محمد بن عیسی نامی از صفار نیست.

**۴. ابواسحاق، ابراهیم بن هاشم قمی**، وی از اصحاب امام رضا علیهم السلام، امامی، ثقه و راوی جلیل القدر است (فهرست طوسی، ص ۱۱؛ رجال طوسی، ص ۳۵۳؛ رجال ابن داود، ص ۲۰). از اهالی کوفه بوده که به قم رفته است. نخستین کسی است که احادیث کوفه را در قم نشر داده است (رجال علامه حلی، ص ۴). صفار بالغ بر ۱۰۳ حدیث را که در منابع اصلی شیعی آمده، از ابراهیم بن هاشم نقل کرده است. در کتاب *بصائر الدرجات* نیز ۱۰۹ روایت از ابراهیم بن هاشم نقل شده است. ابراهیم بن هاشم تألیفاتی نیز داشته که، صفار در طریق آثار مکتوب او قرار نگرفته است.

**۵. ابوبیسف، یعقوب بن یزید انباری**، ملقب به انباری، قمی (رجال ابن داود، ص ۳۷۹)، کاتب و سلمی، متصف به امامی و ثقه، و از راویان جلیل القدر است (رجال نجاشی، ص ۴۵۰؛ فهرست طوسی، ص ۵۰۸؛ رجال طوسی، صص ۳۶۹ و ۳۹۳؛ رجال کشی، ص ۱۲؛ رجال برقی، صص ۵۲ و ۶۰؛ رجال ابن داود، ص ۳۷۹؛ رجال علامه حلی، ص ۱۸۶). ایشان مؤلف کتاب‌هایی مانند: «*كتاب البداء*»، «*كتاب المسائل*»، «*كتاب نوادر الحج*» و «*كتاب الطعن على يونس*» است. ظاهراً متولد شهر انبار بوده و بعدها به بغداد کوچ کرده است (رجال نجاشی، ص ۴۵۰). شیخ طوسی می‌نویسد: «له كتب منها كتاب النادر. أخبرنا ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن عن سعد (بن عبد الله) و الحميري عن يعقوب بن يزيد» (فهرست طوسی، ص ۵۰۸).

بنابراین صفار از جمله کسانی است که میراث دار آثار مکتوب یعقوب بن یزید بوده است.

**۶. ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد برقی**، اصالتاً اهل کوفه است، اما به قم مهاجرت

کرده و در همانجا از دنیا رفت (وفات ۲۷۴ یا ۲۸۰ هق) متصف به امامی و از راویان ثقه، صحابه مشهور امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام، مؤلف بیش از ۷۰ کتاب از جمله «رجال» و «محاسن» که این دو انتشار یافته‌اند. (رجال نجاشی، ص ۵۱؛ فهرست طوسی، ص ۷۶؛ رجال طوسی، ص ۳۷۳ و ۳۸۳؛ رجال ابن الغضائی، ص ۳۹؛ رجال برقی، ص ۵۷ و ۵۹؛ رجال ابن داود، ص ۴۰ و ۴۲۱؛ رجال علامه حلی، ص ۱۴)

از دیگر مشایخ صفار می‌توان یاد کرد:

**محمد ابن ابی الصهبان** که همان محمد بن عبد الجبار قمی است، از راویان ثقه و از اصحاب امام هادی علیهم السلام (رجال طوسی، ص ۴۰۱ و ۴۴۸؛ رجال کشی، ص ۵۶۵؛ رجال برقی، ص ۵۹ و ۴؛ رجال بن داود، ص ۲۸۷؛ رجال علامه حلی، ص ۱۴۲ و ۲۷۰)

**ابو عباس، عبدالله بن جعفر الحمیری قمی** (وفات پس از ۲۹۳ هق، ۹۰۵ م)، صحابه امامان دهم و یازدهم علیهم السلام، متصف به شیخ القمین و وجهه‌نم (رجال نجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست طوسی، ص ۲۹۴؛ رجال طوسی، ص ۳۸۹ و ۴۰۰؛ رجال کشی، ص ۶۰۵؛ رجال ابن داود، ص ۲۰۰ و ۴۰۱؛ رجال علامه حلی، ص ۱۰۶)،

**ابوعلی، احمد بن اسحق بن عبدالله قمی اشعری، امامی، ثقه، از صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام** (رجال نجاشی، ص ۹۱؛ فهرست طوسی، ص ۶۳؛ رجال طوسی، ص ۳۷۳ و ۳۹۷؛ رجال کشی، ص ۵۵۷؛ رجال برقی، ص ۵۶ و ۵۹؛ رجال ابن داود، ص ۲۴؛ رجال علامه حلی، ص ۱۵)،

**ابوالحسین، ایوب بن نوح نخعی، کوفی، صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام و وکیل امامان دهم و یازدهم علیهم السلام** (فهرست طوسی، ص ۴۳؛ رجال طوسی، ص ۳۵۲ و ۳۸۳؛ رجال کشی، ص ۵۱۴، ۵۱۴ و ۵۷۲؛ رجال برقی، ص ۲۹، ۵۴ و ۵۷؛ رجال ابن داود، ص ۶۴؛ رجال علامه حلی، ص ۱۲ و ۲۷۱)، **حسن بن علی بن نعمان کوفی، او را با وصف «ثقة ثبت»** (رجال نجاشی، ص ۴۰؛ رجال علامه حلی، ص ۴۱) سند اند (رجال طوسی، ص ۳۹۸)،<sup>۱</sup>

۱. برخی او را ثقة دانسته اند و برخی هم گفته‌اند که کلام نجاشی که گفته‌است مردود به پدرش علی بن نعمان است و در حقیقت نجاشی پدر او را ثقة دانسته است (برای اطلاع بیشتر بنگرید: رسائل الرجالی، ج ۱ ص ۱۴۸؛ رجال نجاشی ص ۴۰).

**حسن بن موسى خشّاب**، متصف به «امامی»، «ثقة»، «من وجوه أصحابنا»، «كثير العلم و الحديث» (رجال نجاشی، ص ٤٢؛ رجال ابن داود، ص ١١٩؛ رجال علامه حلبی، ص ٤٢)؛

**ابو عبدالله حسين بن محمد بن عامر اشعری قمی** (نام دیگر او حسين بن محمد بن عمران بن ابی بکر اشعری (تفرشی، پیشین، ج ٢ ص ١١٤)، از روایان ثقة (مستدرکات علم رجال الحديث، ج ٣، ص ١٩١)،

**ابواسحاق، ابراهیم بن اسحق احرمی نهاؤندی** (وفات ٢٦٨ هـ، ٨٩٩ م)، صحابه امام دهم علیهم السلام،

**ابوجعفر، محمد بن یحیی عطار قمی**، امامی مذهب و ثقة (رجال نجاشی، ص ٣٥٣؛ رجال علامه حلبی، ص ١٥٧)،

**ابوسعید، سهل بن زیاد آدم (آدمی) رازی**، صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام،  
**ابویوسف، یعقوب بن اسحق سکیت**، امامی و از روایان ثقة، صحابه امام نهم علیهم السلام (رجال النجاشی، ص ٤٥٠)،

**ابوالحسین، احمد بن الحسن بن علی بن فضال** ملقب به فیاض، فطحی مذهب (همان، ص ٨١)، ثقة در نقل حدیث (فهرست طوسی، ص ٥٨)، متوفی به سال ٢٦٠ هـ (رجال علامه حلبی، ص ٢٠٣)،

**ابوبشر، السندی بن محمد البزار** (ابان بن محمد)، ملقب به بجلی، متصف به «امامی»، «ثقة» و «كان وجهاً في أصحابنا الكوفيين» از اصحاب حضرت هادی علیهم السلام (رجال نجاشی، ص ١٤؛ فهرست طوسی، ص ٢٢٨؛ رجال ابن داود، ص ١٧٩؛ رجال علامه حلبی، ص ٨٢)،

**أبوالفضل، عباس بن معروف قمی** (رجال طوسی، ص ٣٦١)، از اصحاب امام جواد علیهم السلام، از موالی اشعری‌ها، متصف به «ثقة» و «امامی» (رجال علامه حلبی، ص ١١٨)،

**عبد بن سلیمان**، «امامی» و «ثقة» (رجال نجاشی، ص ٢٨١)، از اساتید صفار (رجال طوسی، ص ٤٣٣)، **ابوالحسن، علی بن حسان الهاشمي**، متصف به «ضعیف جداً» (رجال نجاشی، ص ٢٥١)،

«غال ضعیف» (رجال ابن خضائری، ص ۷۷) و «فاسدالاعقاد» (رجال علامه حلی، ص ۲۳۳)،

عبدالله بن محمد الجعفی؛ او امامی مذهب بوده، از اصحاب امام جعفر صادق علیهم السلام، ابوعبدالله، محمد بن خالد الطیالسی تمیمی، متوفی به سال ۲۵۹ ه از اصحاب امام موسی کاظم علیهم السلام (رجال نجاشی، ص ۳۴۰؛ فهرست طوسي، ص ۴۲۱؛ رجال طوسي، ص ۳۴۳)،

سندي بن ربيع بغدادی، امامی مذهب و از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و امام رضا علیهم السلام (رجال نجاشی، ص ۱۸۷؛ رجال طوسي، ص ۳۵۸).

یکی از راویانی که از اساتید صفار شمرده شده، ابوعبدالله، احمد بن محمد بن سیار، معروف به کاتب، سیاری، اصفهانی، قمی و بصری از صحابه امام یازدهم علیهم السلام و احتمالاً امام دهم علیهم السلام است. او متهم بود که از اهل «غلو» است و این ظن بر او می‌رفت که احادیث غلوآمیز را به امامان نسبت داده است (تخلیط). شیخ طوسي او را «ضعیف الحديث» (فهرست طوسي، ص ۵۷) شمرده و گفته که ایمان وی به فساد گراییده است ( fasad al-mazhab، منحرف) (همان). با این وجود، او یکی از شخصیت‌هایی است که صفار قمی از او نقل حدیث کرده است. رابطه او و صفار می‌توانست عاملی برای تضعیف صفار باشد؛ زیرا او را اهل غلو دانسته‌اند و در حدیث نیز تضعیفش کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد صفار احادیث بسیار اندکی را از او نقل کرده است. در گذشته نیز ذکر شد که در کتاب بصائر الدرجات تنها چهار حدیث از سیاری نقل شده که از آن‌ها یک حدیث را بدون واسطه از سیاری نقل کرده است و سه حدیث دیگر با واسطه راویان دیگری از سیاری نقل شده است.

تا اینجا سعی کردیم اساتید و مشايخ صفار را که دارای اهمیت بیشتری بودند معرفی کنیم؛ برای رعایت اختصار از ذکر مشخصات سایر اساتید صفار خودداری می‌کنیم.

امیر معزی در مقاله‌اش نکته‌ای نقل می‌کند که قابل تأمل است. او می‌گوید: «برخی از آنها (اساتید صفار) صحابه امامان ششم، هفتم، هشتم یا نهم علیهم السلام بودند

## شاگردان صفار

تلاش مجدانه صفار در جمع آوری احادیث اهل بیت علیهم السلام و وثاقت او سبب شده است که آثار روایی اش در جای جای منابع حدیثی یافت شود. البته اکثر کتاب‌های او که در زمینه فقهی - حدیثی نگاشته شده بود - و ما فهرستی از آن آثار را در همین مقاله آورده‌ایم - در گذر حوادث زمان مفقود شده و به دست ما نرسیده است؛ همان‌بلایی که بر سر بسیاری از منابع حدیثی آمده و امروزه دست بشریت از این میراث گرانها تهی مانده است؛ با این حال همین مقدار اثری که از صفار باقی مانده است قابل اعتماد بوده و ستارگان عالم علم و حدیث از انوار این احادیث بهره‌های فراوان برداشته‌اند. بزرگانی مانند شیخ کلینی صاحب الکافی، علی بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدق)، محمدبن یحیی العطار، سعدبن عبدالله اشعری، محمد بن جعفر مؤدب، محمد بن حسن بن ولید. برای آشنایی بیشتر با شاگردان صفار و کسانی که از وی حدیث نقل کرده‌اند

فمی و کتاب بصائر الدرجات، جلد ۲۸۰، شماره ۴، ص ۱۲).

(سندي بن ربيع، محمدبن خالد طياليسي، هيثمبن ابي المسروق نهدى، و غيره) که به دليل عدم تطابق تاريخي، صفار قمي نمي توانسته سخن آنها را شخصاً شينده باشد» (صفار

## به معرفی اجمالی آنان می‌پردازیم:

۱. ابو جعفر، محمد بن حسن بن ولید قمی<sup>۱</sup> متوفی ۳۴۳ هـ ق، امامی، ثقه، از محدثین جلیل القدر شیعی و از بزرگان شهر قم بوده است (رجال نجاشی، ص ۸۸۳ فهرست طوسی، ص ۴۴۲). او از شاگردان اصلی صفار بوده و احتمالاً بیشترین روایت را از او نقل کرده است و هموسط که از تأییفات صفار، کتاب بصائر الدرجات را نقل نکرده است.

۲. ابو جعفر، محمد بن یحیی العطار؛ از بزرگان تشیع در زمان خودش بوده؛ از راویانی است که به کثرت روایت مشهور بوده و وثاقت او مورد اجماع رجالیون قرار گرفته است (رجال نجاشی، ص ۳۵۳؛ رجال طوسی، ص ۴۳۹؛ رجال ابن داود، ص ۳۴۰). کمتر از ۳۰ روایت را از صفار نقل کرده است و در مقابل حدود ۱۳۰۰ روایت را از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نقل کرده است. ظاهراً دسترسی او به محمد بن الحسین و دیگر مشايخ صفار سبب شده که تعداد روایت او از صفار کمتر باشد.

از بررسی شاگردان صفار به دست می‌آید که وی از محدثین بلند پایه شیعی محسوب می‌شود و آثار مكتوب فراوانی داشته که مورد استفاده علماء قرار گرفته، با این حال در نشر شفاهی و تدریس حدیث نقش چندانی نداشته است.

## تألیفات صفار

مقایسه کتاب‌های فقهی او با سایر کتاب‌هاییش به روشنی مؤید این نکته است که او در مقام نخست یک محدث اهل فقه بوده و بیشتر به این جنبه از احادیث امامان اعتماد داشته است. با وجود اینکه دوره حیات او و درگذشتش در دوران مهمی از غیبت صغیر امام مهدی علیهم السلام (یعنی سال ۲۹۰ هجری) قرار گرفته؛ اما روایات او آن اندازه که توقع می‌رود در کتاب‌های حدیثی فراگیر نیست.

## تألیفات صفار

۱. برخی هم معتقدند که او اصلتاً اهل قم نبوده بلکه بعداً به شهر قم رفته است (ر. که رجال ابن داود، ص ۴۰۴).

الف- نجاشی برای محمد بن الحسن الصفار تعداد ۳۵ کتاب را ذکر کرده است (رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۵۴). دستتیابی او به کتاب‌های محمد بن الحسن بن فروخ از دو طریق بوده است:

۱- أخبرنا بكتبه كلها ما خلا بصائر الدرجات أبو الحسين علي بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعري القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد عنه بها.

۲- وأخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عنه بجميع كتبه و ببصائر الدرجات.

ب- شیخ طوسی در فهرستش می‌نویسد: تأیفات محمد بن الحسن بن فروخ، مانند کتب فقهی حسین بن سعید است و سپس علاوه بر ۳۰ کتاب مذکور، کتاب بصائر الدرجات و سؤالات محمد بن الحسن از امام یازدهم علیه السلام را نیز بیان می‌دارد.

شیخ طوسی در طریق دستیابی اش به کتاب‌های ابو جعفر، سه طریق ذکر کرده است.

۱- أخبرنا بجميع كتبه و روایاته ابن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار.

۲- وأخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار عن رجاله إلا كتاب بصائر الدرجات فإنه لم يروه عنه (محمد بن الحسن) بن الوليد.

۳- وأخبرنا الحسين بن عبید الله عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار.

### مقایسه بین نقل رجال نجاشی و فهرست طوسی

شیخ طوسی در فهرستش در شمارگان کتاب او گفته که محمد بن الحسن ۳۰ کتاب مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد بدون این‌که عناوین این کتاب‌ها را ذکر کند. شیخ در جای دیگر فهرستش کتاب‌های حسین بن سعید را نام برده و گفته که او ۳۰ کتاب دارد و سپس عنوان ۳۱ کتاب را ذکر کرده است (فهرست طوسی، ص ۱۵۰)! نجاشی هم این ۳۰

کتاب را برای حسین بن سعید ذکر کرده است (فهرست طوسی، ص ۱۵۰) با این تفاوت که او کتابی را که شیخ طوسی تحت عنوان کتاب «البشارات» آورده، ذکر نکرده است. علاوه بر این ۳۰ کتاب، کتاب دیگری به نام «بصائرالدرجات» و کتابی مشتمل بر سوالات بوده که به محضر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام نوشته شده است؛ بنابراین مجموع عنوانی که شیخ طوسی از تأییفات محمدبن حسن صفار شمرده، ۳۳ عنوان خواهد بود. همچنین شیخ اذعان دارد که علاوه بر این کتاب‌ها، عنوانی دیگری نیز بوده است (فهرست طوسی، ص ۴۰۸).

از مقایسه این دو نقل، متوجه می‌شویم که نجاشی شش کتاب با عنوانین کتاب «الجنائز»، کتاب «المواريث»، کتاب «ما روی فی اولاد الائمه علیهم السلام»، کتاب «ما روی فی شعبان»، کتاب «الجهاد» و کتاب «فصل القرآن» را ذکر کرده که شیخ طوسی آنها را ذکر نکرده است. شیخ طوسی هم (با توجه به این که معتقد است محمدبن الحسن کتاب‌هایی مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد) دو کتاب با عنوانین کتاب «الوصایا»، کتاب «التفسیر»، و کتابی تحت عنوان «سؤال‌ها از محضر امام حسن عسکری علیه السلام» را در فهرست کتاب‌های محمد بن حسن صفار و کتاب «بصائرالدرجات» در میراث حدیثی شیعیه.

عناوین کتاب‌های محمد بن الحسن بن فروخ:

کتاب	نحو	طوطی	
الصلوة	+	+	۱
الوضوء	+	+	۲
الجناز	-	+	۳
الصيام	+	+	۴
الحج	+	+	۵
النكاح	+	+	۶
الطلاق	+	+	۷
العتق والتلبير و المكابث	+	+	۸
التجارات	+	+	۹
المكاسب	+	+	۱۰
الصيد و النبات	+	+	۱۱
الحجاود	+	+	۱۲
اللدیات	+	+	۱۳
الفرائض	+	+	۱۴



١٥	الإعاء	+	+
١٦	المواريث	-	+
١٧	العنز	+	+
١٨	البرد على الغلاة	+	+
١٩	الاشعر	+	+
٢٠	المروعة	+	+
٢١	الزهد	+	+
٢٢	الخمس	+	+
٢٣	الزكاة	+	+
٢٤	الشهادات	+	+
٢٥	الملاحم	+	+
٢٦	المؤمن	+	+
٢٧	التفيه	+	+
٢٨	الإيمان والنور و الكفارات	+	+
٢٩	المناقب	+	+
٣٠	المطالب	+	+
٣١	بصائر الدرجات	+	+

+	-	الوصايا	۳۲
+	-	التنفسير	۳۳
-	+	ما روی فی اولاد الائمه علیهم السلام	۳۴
-	+	ما روی فی شعبان	۳۵
-	+	الجهاد	۳۶
-	+	فضل القرآن	۳۷
+	-	مسائل کتب بها الى الحج محمد علیهم السلام	۳۸

## گزارشی از آثار

متأسفانه از تأیفات فراوان صفار تنها کتاب بصائر الدرجات به دست ما رسیده است؛ البته نامه‌هایی که او به محضر امام یازدهم علیهم السلام نوشته بود نیز در کتاب‌های حدیثی موجود است. برخی از این نامه‌ها به دست شیخ صدوق رسیده بوده و او تصریح می‌کند که جواب نامه‌ها را که به خط حضرت عسکری علیهم السلام نوشته شده بود رؤیت کرده است. برای نمونه یکی از توقعات حضرت را در ذیل می‌آوریم:

«كتبَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَارِ إِلَيْ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيِّ علیهم السلام كمْ حَدَّ الْمَاءِ الَّذِي يُغَسِّلُ بِهِ الْمَيْتُ كَمَا رَوَوْا أَنَّ الْجُنُبَ يَغْسِلُ بِسَتَةِ أَرْطَالٍ مِّنْ مَاءٍ وَ الْحَائِضَ بِسَعْتَهُ أَرْطَالٍ فَهَلْ لِلْمَيْتِ حَدٌّ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي يُغَسِّلُ بِهِ؟ فَوَقَعَ علیهم السلام حَدٌّ غَسْلُ الْمَيْتِ يُغَسِّلُ حَتَّى يَطْهُرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَ هَذَا التَّوْقِيقُ فِي جُمْلَةٍ تَوْقِيعَاتِهِ عِنْدِي بِخَطْهِ علیهم السلام فِي صَحِيفَةٍ» (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۲).

از جمله اخیر شیخ صدوق پیداست که توقعات حضرت عسکری علیهم السلام به دست او

رسیده است.

## كتاب فضل الدعاء صفار

روایتی در «كتاب عدة الداعی» ابن فهد حلی (م ٨٤١ هـ) وجود دارد که ایشان از «كتاب الدعاء» صفار نقل کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد كتاب الدعاء صفار تا زمان ابن فهد موجود بوده است. همچنین علی بن موسی بن طاوس (م ٩٦٤ هـ) در «رسالة محاسبة النفس» خود (ص ١٥) و ابراهیم بن علی عاملی (م ٩٠٥ هـ) در «كتاب المصباح» خود از این كتاب نقل کرده‌اند؛ بنابراین كتاب فضل الدعاء صفار لاقفل تا قرن دهم موجود بوده است.

## نشر احادیث صفار

متأسفانه بسیاری از آثار حديثی شیعه در اثر گذر زمان از بین رفته است. نگارش جوامع حديثی، یکی از عوامل مهمی است که سبب از بین رفتن برخی آثار شده است. با وجود جوامع حديثی مانند *الكافی*، من لا يحضره الفقيه، تهذیب و استبصار، دیگر نیازی به برخی کتب حديثی احساس نمی‌شد؛ بنابراین نسخه‌های فراوانی از كتاب‌های حديثی در اثر عدم استنساخ، از بین رفته‌اند. كتاب‌های صفار نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست، چنانکه از اصول اربعماء چیزی باقی نمانده است. بدیهی است نشر آثار در قرون گذشته به سختی صورت می‌گرفته و شرایط امروزه را نداشته است؛ در نتیجه اگر کتابی می‌توانست جایگزین سایر كتاب‌ها شود، تنها به نسخه برداری از آن كتاب اکتفا می‌شده است.

شیخ صدقه بسیاری از احادیث صفار را در آثارش نقل کرده است. دقیقاً نمی‌توان میزان و تعداد احادیث صفار را در آثار شیخ صدقه بررسی کرد؛ زیرا تمامی آثار شیخ صدقه موجود نیستند، اما در آثاری که باقی مانده‌اند و اکنون در دسترس ما هستند، بیش از ٨٢٦ حدیث را از صفار نقل کرده است. از این تعداد ١٤٤ حدیث در كتاب

ثواب الاعمال، ۱۴۴ حدیث در کتاب علل الشرایع، ۱۰۹ حدیث در کتاب الخصال، ۶۶ حدیث در کتاب معانی الاخبار، ۶۴ حدیث در کتاب الامالی، ۶۲ حدیث در کتاب من لا يحضره الفقيه، ۵۳ حدیث در کتاب التوحید، ۳۱ حدیث در کتاب کمال الدين و تمام النعمه، ۲۹ حدیث در کتاب عيون اخبار الرضا، ۹ حدیث در کتاب فضائل الاشهر الثلاثة، ۴ حدیث در کتاب فضائل الشیعه و ۴ حدیث در کتاب صفات الشیعه ذکر کرده است.

### كتاب بصائر الدرجات

نام کامل این کتاب، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ است. البته عنوان دیگری را امیر معزی برای آن ذکر کرده که به گفته او نسخ خطی با عنوان بصائر الدرجات فی علوم آل محمد ﷺ و ما خصمهم الله به<sup>۱</sup> هستند. نسخه منتشر شده که به تحقیق محسن کوچه باغی (قم ۱۴۰۴ هـ) است دارای عنوان بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ است. از عنوان کتاب روشن می‌شود که صفار در صدد اثبات علم خاص و توانایی‌های منحصر به فرد ائمه علیهم السلام بوده و اینکه مؤمنان مؤظفند مطیع و دوستدار ایشان باشند. این کتاب ۱۰ بخش دارد، هر بخش حدوداً شامل ۲۰ باب و مجموعاً دارای ۱۸۸۱ حدیث می‌باشد.<sup>۲</sup>

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در مورد صفار، کتاب بصائر الدرجات او است. انصاری در مقاله‌اش می‌نویسد که صفار کتابی به این نام نداشته و کتابی که اکنون با عنوان بصائر الدرجات نوشته صفار در دسترس ما قرار دارد، در حقیقت همان کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری است.

او در مقاله‌اش چنین می‌نویسد:

۱. مقاله امیر معزی ص ۴، ترجمه آن تقریباً به این صورت خواهد بود درک درجات علوم آل محمد ﷺ و آنچه خداوند به ایشان اختصاص داد.

۲. برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به کتاب بصائر الدرجات و مقاله امیر معزی و کتاب دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد نوشته اندرو جی نیومن، ترجمه موسسه شیعه شناسی، فصل پنجم.

«کار تدوین بصائر الدرجات کنونی در اصل متعلق به محمد بن یحیی العطار، دیگر محدث برجسته این دوران است که دقیقاً معاصر با سعد اشعری بوده است. وی متن کنونی را بر اساس متن بصائر الدرجاتِ سعد اشعری و با استفاده از شیوه "استخراج" تنظیم کرد و احادیث تازه هم بدان افزوود و آن را به دلیل منع اصلی و الهام بخش آن بصائر الدرجات خواند؛ که در حقیقت می‌توان آن را "مستخرج بصائر الدرجات" نامید، اما به دلیل آن که احادیث دیگری هم در متن افزووده شده بود و نیز به دلیل آن که اصولاً شیوه "استخراج" بدون آن که نامی از آن در میان محدثان امامیه برده شود، شیوه‌ای معمول برای تدوین کتاب‌های حدیثی در میان امامیه بود. متن ساخته شده دوم هم چنان بصائر الدرجات خوانده شد که به دلیل متن اولیه سعد اشعری بود.»<sup>۱</sup>

مدعای ایشان قابل نقد است؛ اولاً این ادعا با مشهور مخالفت صریح دارد و طبق نقلی که از رجالیون آورده‌یم همه آن‌ها صفار را صاحب بصائر الدرجات می‌دانند. تنها اشکالی که وجود داشت، عدم نقل ابن ولید بود که به آن اشاره شد، اما تنها از عدم نقل ابن ولید نمی‌توان نتیجه گرفت که مؤلفِ بصائر الدرجات، صفار نبوده است. بسیاری از رجالیون و محدثین، صفار را صاحب کتاب بصائر الدرجات می‌دانند (د.ک: بخار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۷/ج ۶، ص ۱۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۳۸۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۹۲؛ وسائل الشیعیة (آل البيت)، ج ۱، ص ۳۷).

علاوه بر شهرت انتساب، دلیلی دیگر وجود دارد که قابل اغماس نیست؛ استدلال ما این است که با بررسی آثار شیخ صدق، می‌بینیم که ایشان از کتاب بصائر الدرجات صفار، بیش از ۲۱ حدیث را نقل کرده است که سند آنها با سند بصائر الدرجات یکسان است.

صفار در بصائر الدرجات نقل می‌کند:

«حدثنا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَيِّ بْنِ الْحَكْمَ عَنْ عَامِرِ بْنِ مَعْقُلٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جعفر عليه السلام قال: يا أبا حمزة لا تضعوا عليا عليه السلام دون ما وضعه الله، ولا ترفعوه فوق ما رفعه الله كفى لعلى ان يقاتل أهل الكرة وان يزوج أهل الجنة» (بصائر الدرجات، ص ۴۳۵).

این حدیث را صدوق در کتاب امالی اش آورده:

«حدثنا محمد بن الحسن بن أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رضي الله عنه)، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عن عَلَيِّ بْنِ الْحَكْمَ، عن عَامِرِ بْنِ مَعْقُلٍ، عن أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عن أَبِي جعفر عليه السلام، قال: قال لي: يا أبا حمزة، لا تضعوا عليا دون ما وضعه الله، ولا ترفعوا عليا فوق ما رفعه الله، كفى بعلي أن يقاتل أهل الكرة، وأن يزوج أهل الجنة» (اماں صدوق، ص ۲۸۴).

سندي که صفار برای حدیث فوق ذکر کرده، دقیقاً منقول شیخ صدوق نیز هست و محمد بن یحیی العطار در سند روایت حضور ندارد. باید پذیرفت حدیث مذکور را صفار نقل کرده و شیخ صدوق به واسطه استادش جناب محمد بن حسن بن احمد بن ولید آن را از صفار نقل کرده است؛ بنابراین راوی این حدیث صفار بوده است.

احادیث دیگری نیز وجود دارد که برای اختصار فقط اسناد آنها را می‌آوریم.

صفار اسناد ذیل را در کتاب بصائر الدرجات آورده است؛ در ذیل هر حدیث اسناد

شیخ صدوق را نیز ذکر می‌کنیم:

۱- حدثنا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِنِ سنَانَ عَنْ مُسْكَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ قَلْتُ لِأَبِي عبد

الله عليه السلام... (بصائر الدرجات، ص ۳۲۶ - ۳۲۷).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عن محمد بن سنان، عن عبد الله بن مسکان، عن موسى بن بكر قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام... (الخطاب، ص ۶۴۴).

۲- حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمیر عن مرازم عن أبي عبد الله عليه السلام قال... (بصائر

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أَحْمَدَ بْنَ الْوَلِيدِ رضيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حدثنا محمد ابن الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد، وإبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير، عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ قَالَ... (الخصال، ص ٦٤٧).

٣- حدثنا يعقوب بن يزيد وإبراهيم بن هاشم عن أبي عمير عن منصور بن يونس عن أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين قال... ( بصائر الدرجات، ص ٣٢٩ ).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أَحْمَدَ بْنَ الْوَلِيدِ رضيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حدثنا محمد ابن الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد، وإبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير، عن منصور بن حازم، عن أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ قَالَ... (الخصال، ص ٦٥١).

٤- حدثنا أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنِ البرقي عَنْ ذِكْرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ قَالَ... ( بصائر الدرجات، ص ٢٨٤ ).  
این حدیث را شیخ صدوق با سند ذیل ذکر کرده است:

حدثني محمد بن الحسن قال حدثني محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خالد البرقي عَنْ ذِكْرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ قَالَ... ( ثواب الأعمال، ص ١٣١ ).

٥- حدثنا محمد بن الحسين عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم عن سماعة بن مهران قال قال أبو عبد الله عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ... ( بصائر الدرجات، ص ٤٣٤ - ٤٣٥ ).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن رضيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم الحضرمي، عن سماعة بن مهران قال: قال أبو عبد الله عَلِيَّ اللَّهُ عَلِيهِ السَّلَامُ... ( علل الشرائع، ج ١، ص ١٦٤ ).

از اسناد فوق الذکر استفاده می شود که برخی از روایات بصائر الدرجات را شیخ صدوق با همان سند بصائر نقل کرده است. عدم وجود محدثین یحیی در اسناد مذکور

شاهدی بر تالیف بصائر توسط صفار محسوب می‌شود. علاوه بر استناد مذکور موارد دیگری نیز وجود دارند که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.<sup>۱</sup> البته برای تکمیل این موضوع لازم است تمامی استناد بصائر الدرجات در آثار متأخر بررسی شود که نیاز به پژوهشی مجزا دارد.

نکته‌ای دیگر که از این نقل‌ها بر می‌آید، اعتماد ابن ولید به کتاب بصائر است. لذا این مطلب که بعضی از گویندگان آورده‌اند که نقل نشدن بصائر توسط ابن ولید به دلیل مضامین غلوّ آمیز بصائر بوده که ابن ولید به دلیل دقّت در نقل نپذیرفته، با دیدن این استناد، ابطال می‌شود. اعتماد صدقه بر مضامین بصائر نیز قرینه‌ای بر مدعای ما است که دقّت در آن ضروری است

### ارتباط صفار با امام

در یگانه اثر موجود صفار یعنی کتاب بصائر الدرجات؛ روایت مستقیم از معصوم وجود ندارد. شایان ذکر است که آثار دیگر صفار قمی مفقود شده و به دست ما نرسیده است و احتمال این که در دیگر آثار او که مفقود شده، حدیث یا احادیثی وجود داشته که صفار آن حدیث‌ها را مستقیماً از امام یا زدهم نقل کرده باشد؛ با این حال صرف احتمال نمی‌تواند چیزی را ثابت کند و اگر بخواهیم بنابر آثار موجود سخن بگوییم، صفار قمی نقل مستقیمی از حضرت عسکری علیه السلام ندارد و شاید بتوان ادعا کرد که اگر نقل مستقیمی وجود داشت در برجسته‌ترین اثر وی یعنی بصائر الدرجات ذکر می‌شد. از عدم نقل مستقیم می‌توان نتیجه گرفت که صفار هیچ‌گاه امام را ملاقات نکرده است.

علاوه بر اینکه صفار از امام عسکری علیه السلام روایتی به صورت مستقیم نقل نکرده، همچنین از امام دهم علیه السلام نیز روایتی نقل نکرده است، در حالی که او مدتها از امامت

۱. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به کتابهایی که داخل پارانتز ذکر شده و آنها را مقابله کنید (بصائر الدرجات، ص ۱۷۸ - ۱۷۹؛ عيون/خبر الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰؛ (بصائر الدرجات، ص ۳۳۹، عيون/اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹ - ۶۰) و (بصائر الدرجات، ص ۳۳۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۳۵).



حضرت هادی (۲۵۴ تا ۲۲۰) را درک کرده است. عدم نقل مستقیم، شاهد خوبی است که او امام را ملاقات نکرده است.

نکته دیگری که قابل توجه و جالب به نظر می‌رسد، این است که صفار از دو نایب نخست امام مهدی (عج)، یعنی عثمان بن سعید (نایب امام از ۲۶۰ تا حدود ۲۶۷ هق، ۹۱۷ تا ۸۸۰ م)، و محمد بن عثمان (نایب امام از حدود ۲۶۷ تا ۳۰۵ هق، ۸۸۰ تا ۸۷۴ م) نیز روایتی نقل نکرده است.

با این وجود، او نامه‌هایی به محضر امام یازدهم علیهم السلام نوشته است، در گذشته نیز ذکر شد که توقيعاتی که حضرت عسکری علیهم السلام برای جانب صفار فرستاده است در نزد شیخ صدوq موجود بوده و ظاهراً آن‌ها در صحیفه‌ای جمع بوده‌اند.<sup>۱</sup>

نکته این است که علاوه بر توقيعاتی که صفار از جانب امام دریافت نموده و آن توقيعات گنجینه ارزشمندی از علوم آل محمد علیهم السلام است، کتاب دیگری نیز در نزد صفار وجود داشته است؛ کتابی به نام «الصحیفه» که حضرت علی علیهم السلام آن را به غلاف شمشیرش می‌آویخته و مجموعه‌ای از احکام حلال و حرام شریعت در آن صحیفه وجود داشته است. وجود این کتاب در نزد علی علیهم السلام را جانب بخاری در چندین جای صحیحش متذکر شده است.<sup>۲</sup> صفار به نسخه‌ای از این صحیفه دسترسی داشته است (الکليني والكافاني، ص ۲۵). و یکی از منابع او برای روایات همین نسخه بوده است.

### نقش صفار در انتقال میراث مکتوب

برای پی بردن به نقش صفار در انتقال میراث مکتوب شیعی، دو کتاب فهرست

۱. برای ملاحظه این نامه‌ها رجوع کنید به:

الكافی، ج ۵، صص ۱۲۵ و ۱۸۱، ج ۷، صص ۴۵، ۴۶، ۳۹۴ و ۴۶۱؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۱، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۳، صص ۱۵۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۴۹۹ و ۵۰۸، ج ۴، صص ۲۰۳، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۰۹ و ۲۶۹؛ تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۶۹ و ۱۳۸، ج ۷، صص ۱۷، ۸، ص ۲۹۹، ج ۹، صص ۲۱۷ و ۲۱۵؛ وسائل الشیعیة (آل بیت)، ج ۲، ص ۵۳۶ و ۵۳۸، ج ۱۷، ص ۱۷، ج ۸/۱۸، ص ۸۴، ج ۱۹، ص ۳۷۵ و ۳۷۷.

۲. برای نمونه بنگرید: صحیح البخاری، ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ قمری - ۱۹۸۱ میلادی، ج ۱، ص ۳۶.

نجاشی و فهرست شیخ طوسی را بررسی کردیم. صفار در دو کتاب مذکور مجموعاً در سلسله اسناد بیش از ۱۹۵ سند قرار دارد. به عبارت دیگر در این دو کتاب، ۱۹۵ نفر از مؤلفان شیعی وجود دارد که آثار مکتوب آنان توسط صفار نقل شده است. از مجموع ۱۹۵ سند مذکور بیش از ۱۱۷ سند وجود دارد که در آنها صفار، واسطه میان دو قمی قرار گرفته است. به عبارت دیگر هم استادش قمی بوده و هم شاگردش و صفار هم از اهالی قم است. بنابراین در این آثار صفار تنها راوی است و انتقال از شهری به شهر دیگر نبوده است. از این مجموعه اسناد ۱۷ سند وجود دارد که در آنها صفار روایت را از استاد قمی دریافت نموده و به شاگردان کوفی منتقل کرده است. و ۱۳ سند وجود دارد که صفار واسطه میان استاد قمی و شاگرد انباری و در ۹ سند، صفار واسطه میان استاد قمی و شاگرد بغدادی است. در این اسناد تنها یک شاگرد نهادنی و یک شاگرد اصفهانی و یک شاگرد رازی وجود دارد.

از موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که جناب صفار در انتقال میراث مکتوب از نسلی به نسل دیگر نقش مهمی داشته است، اما وی در انتقال میراث از شهری به شهر دیگر یا از منطقه‌ای به منطقه دیگر تأثیر چندانی نداشته و عدمه فعالیت وی در این زمینه به شهر قم منحصر می‌شود.

### منابع

- آندره، جی. نیومن، دوره شکل گیری تسبیح دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، ترجمه و نقد: مؤسسه شیعه شناسی، ناشر: انتشارات شیعه شناسی، چ اول.
- ابن طاوس، *إقبال الأعمال*، تحقيق: جواد قیومی اصفهانی، چاپخانه: مكتب الإعلام الإسلامي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، چ اول، ۱۴۱۴ قمری.
- ابن ندیم، *فهرست*، نشر تجدد، تهران، ۱۹۷۱.
- اردبیلی، محمد علی، *جامع الرواية*، قم، ناشر: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ قمری.
- امیر معزی، محمد علی، *فصلنامه ژورنال آسیایی (JOURNAL ASIATIQUE)* صفار قمی و کتاب بصائر.

- ابن قولویه (جعفر بن محمد بن قولویه)، **کامل الزیارات**، تحقیق: شیخ جواد قیومی، چاپخانه: مؤسسه نشر اسلامی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاہة، ج اول، ١٤١٧ قمری.
- بخاری، **صحیح البخاری** ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ١٤٠١ قمری - ١٩٨١ میلادی.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد، رجال البرقی، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٨٣ قمری.
- بروجردی، سید علی، طرائف المقال، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بهمن ناشر: مکتبة آیة الله العظمی مرعشی نجفی، ج اول، ١٤١٠ قمری.
- بغدادی، اسماعیل باشا، **هدایة العارفین**، لبنان، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربي.
- بحر العلوم، **الفوائد الرجالیة**، تحقیق و تعلیق: سید محمدصادق بحر العلوم، حسین بحر العلوم، تهران، چاپخانه: آفتاب، ناشر: مکتبة الصادق، ج اول، ١٣٦٣ شمسی.
- تغرشی، **نقد الرجال**، تحقیق: مؤسسه آل البيت لایحاء التراث، قم، چاپخانه: ستاره، ناشر: مؤسسه آل البيت لایحاء لایحاء التراث، ج اول، ١٤١٨ قمری.
- تهرانی، آقا بزرگ، **النوریة**، لبنان، بیروت، ناشر: دار الأضواء، ١٤٠٣ قمری - ١٩٨٣ میلادی.
- تسیری، شیخ محمد تقی، **قاموس الرجال**، قم، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج اول، ١٤١٩ قمری.
- جواهری، محمد، **المغید من معجم رجال الحديث**، قم، چاپخانه: العلمیة، ناشر: مکتبة المحلاطی، ج دوم، ١٤٢٤ قمری.
- حر عاملی، **وسائل الشیعۃ (آل البيت)**، تحقیق: مؤسسه آل البيت لایحاء لایحاء التراث، قم، چاپخانه: مهر، ناشر: مؤسسه آل البيت لایحاء، ج ١٤١٤ قمری.
- حر عاملی، **وسائل الشیعۃ (الاسلامیة)**، تحقیق و تصحیح وتذیل: شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی، لبنان، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث، سید بدرالدین بن احمد، **الحادیثیة علی أصول الكافی**، تحقیق: علی فاضلی، ج اول، چاپخانه: دار الحديث، ناشر: دار الحديث، ١٤٠٣ قمری - ١٩٨٣ میلادی.
- حسینی عاملی، سید بدرالدین بن احمد، **الحادیثیة علی أصول الكافی**، تحقیق: علی فاضلی، ج اول، چاپخانه: دار الحديث، ناشر: دار الحديث، ١٤٢٥ قمری - ١٣٨٣ شمسی.
- حلی، ابن داود ، رجال ابن داود، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٨٣ قمری.
- حلی، **الخلاصة للحلی (رجال العلامة الحلی)**، قم، دار الذخائر، ١٤١١ قمری.
- خوبی، سید ابوالقاسم معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ١٤١٠ قمری (١٣٦٩ شمسی).
- راوندی، قطب الدین، **الخرائج و الجرائم**، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ١٤٠٩ قمری.
- ریشهری، محمد، **أهل البت في الكتاب والسنۃ**، تحقیق: دار الحديث، چاپخانه: دار الحديث، ناشر: دار الحديث، ج دوم، ١٣٧٥ شمسی.
- صدق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، **الخصال**، انتشارات جامعه مدرسین قم، ١٤٠٣ قمری.
- \_\_\_\_\_، **اماکی**، کتاب فروشی اسلامی، تهران، ١٣٨٠ قمری.
- \_\_\_\_\_، ثواب الأعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ١٣٦٤ شمسی.
- \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم، انتشارات مکتبة الداوري.

- \_\_\_\_\_، *عيون اخبار رضا*، تحقيق: شیخ حسین اعلمی، ۱۴۰۴ قمری.
- \_\_\_\_\_، *كمال الدين و تمام النعمة*، به کوشش علی اکبر غفاری، دارالكتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۹ قمری.
- صدق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، تحقيق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴۰.
- صفار، محمد بن الحسن، *بصائر الدرجات*، تصحیح و تعلیق و تقدیم: حاج میرزا حسن کوچه باگی، تهران، چاپخانه: مطبعة الأحمدی، ناشر: منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ قمری - ۱۳۶۲ شمسی.
- طوسی، اختیار معرفة الرجال، تحقيق: تصحیح و تعلیق: میر داماد استرآبادی / تحقيق: سید مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بعثت، ناشر: مؤسسه آل البيت طبلة لایحاء التراث، ۱۴۰۴ قمری.
- \_\_\_\_\_، الاستبصار، تحقيق و تعلیق: سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الكتب الإسلامية ۱۳۶۴ شمسی.
- \_\_\_\_\_، *تهنیب الأحكام*، تحقيق و تعلیق: سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الكتب الإسلامية ۱۳۶۴ شمسی.
- \_\_\_\_\_، *القهرست*، نجف، المکتبة المرتضویة.
- \_\_\_\_\_،  *رجال الشیخ الطوسمی*، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ قمری.
- \_\_\_\_\_، على بن طاوس حسینی حلی، انتشارات مرتضوی، محاسبه النفس.
- غضائیری، احمد بن حسین بن رجال ابن الغضائیری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ قمری.
- غفار، عبد الرسول، *الکلینی والکافی*، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۴۱۶ قمری.
- مفید، الأمالی، تحقيق: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، لبنان، بیروت، ناشر: دار المفید للطبعا و النشر والتوزیع، ج ۱۴۱۴ قمری - ۱۹۹۳ میلادی.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دارالكتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
- قمی، حسن بن محمدبن حسن، *تاریخ قم*، (نوشته در ۱۳۷۸)، ترجمه: حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱ شمسی.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ شمسی.
- کلباسی، ابی المعالی محمدبن محمد ابراهیم، *الوسائل الرجالیة*، تحقيق: محمدحسین درایتی، چاپخانه: سرور، ناشر: دارالحدیث، ج ۱۴۲۲، قمری - ۱۳۸۰ شمسی.
- کلینی، *الکافی*، تهران، چاپ: دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ قمری.
- کنی، علی، *توضیح المقال فی علم الرجال*، تحقيق: محمدحسین مولوی، چاپخانه: سرور، ناشر: دارالحدیث، ج ۱۴۲۱، قمری - ۱۳۷۹ شمسی.
- مامقانی، عبدالله، *تقطیع المقال فی علم الرجال*، مطبعة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۲.
- نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت طبلة قم، ۱۴۰۸ قمری.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ قمری.
- نمایز شاهروودی، شیخ علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، چاپخانه: شفق، ناشر: ابن المؤلف، ج ۱۴۱۲، قمری.